

درس سی و ششم



واژگان درس

ظرف :	الإناء	صنعتگر :	الصانع
سفالی :	خزفي	هنرمند :	الفنّان
نخستین :	أول	ملاقات کردن :	اللقاء بـ
صنعتگران :	الصُناع	نقش ها :	النقوش / الرسوم
تندیس :	التمثال	دوره :	العصر
سنگ :	الحجر	گیاهان :	النباتات
مهر :	الخاتم	ایوان :	الفناء / الباحة / الشُرقة

ساختارهای گفتاری درس

سفالگری :	فن الخزف
پیش از میلاد :	قبل الميلاد
رواج داشته :	كان دارجاً
مربوط به :	يتعلّق بـ
کشف شده است :	أُكتشِفَ

سفالگری

محسن: این هدف ظرف سفالی در منطقه اسماعیل آباد قزوین کشف شده است و مربوط به هزاره پنجم پیش از میلاد است.

حسن: ظرف سفالی

محسن: یعنی «فن الخزف».

حسن: بله سفالگری.

محسن: ایرانیها جزء نخستین صنعت گران سفال بودند. سفالگران روی سفالها نقشهای مختلفی بوجود می آورند. نقش های حیوانات و گیاهان و انسان.

حسن: نقوش الحيوانات و النباتات و الانسان.

حسن: اینجا نوشته است تندیس یعنی مجسمه سنگی داریوش بزرگ/شوش / دوره هخامنشی ۴۹۵ سال پیش از میلاد سنگی یعنی چه؟

محسن: سنگ یعنی «حجر» - سنگی یعنی «حجری».

حسن: این یک مهر سیلندری است؟

محسن: مهر یعنی خاتم و سیلندر یعنی أسطوانة. مهری که مانند سیلندر است.

حسن: مهر سیلندری با نقش دو حیوان از سنگ لاجورد، حسنلو، هزاره دوم پیش از میلاد یعنی چه؟

محسن: یعنی از سنگ لاجورد ساخته شده است و در منطقه حسنلو کشف شده است و مربوط به دوره هزاره دوم پیش از میلاد است.

حسن: موزاییک کف ایوان؟

محسن: ایوان یعنی سالن یعنی جایی که از میهمانان پذیرایی می کردند یا با میهمان ملاقات می کردند.

محسن: هنر و صفت موزاییک سازی در ایران باستان رواج داشته است.

حسن: هنر یعنی چه؟

محسن: هنر یعنی «الفن» هنرمند کسی که هنری دارد. هنر باید انسان را به خداوند مهربان نزدیک کند. توی

دانا هنر واقعی چیست؟

حسن: خوب زندگی کردن است.

۱. در موزه چه ظرفی دیدند؟

۲. این ظرف در کجا کشف شده بود؟

۳. روی ظرفها چه نقشی را بوجود آورده بودند؟

۴. نخستین سفالگران چه کسانی بودند؟

۵. تندیس داریوش از چه بود؟

۶. مهر سیلندری در کجا پیدا شده بود؟

۷. در ایران باستان چه هنری رواج داشته است؟

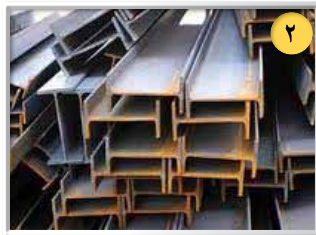
۸. هنرمند کیست؟

۱. این دستگاه از چه ساخته شده است؟ (مِمَّ صُنِعَ هَذَا الْجِهَازُ؟)
۲. در کجا کشف شده است؟ (إَيْنَ أُكْتَشِفَ؟)
۳. چه هنری بلدی؟ (أَيَّ فَنٍّ تَحِيدُ؟)
۴. کدام هنر را می شناسی؟ (أَيَّ فَنٍّ تَعْرِفُهُ؟)
۵. این مواد فلزی است. (هَذِهِ الْمَوَادُّ مَعْدِنِيَّةٌ.)

نام ها و تصاویر

نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

سنگ - چوب - آهن - شیشه - طلا - نقره



الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

- | | |
|---|--|
| • ۱. واحد اندازه گیری یعنی چه؟ | • ۶. كان الإيرانيون لديهم فنون متنوعة. |
| • ۲. ایرانیان هنرهای زیادی داشته اند. | • ۷. هنا متحف المعالم الاثرية الإيرانية. |
| • ۳. اینجا موزه آثار باستانی ایران است. | • ۸. أين اكتشف هذا التمثال؟ |
| • ۴. در کجا این مجسمه کشف شده است؟ | • ۹. ما معنى وحدة القياس؟ |
| • ۵. مهر روی میز را به من بده. | • ۱۰. أعطني الخاتم الذي على المنضدة. |

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

۱. این ظرف سفالی قدیمی است. _____
۲. صنعتگران اشیاء زیبایی می سازید. _____
۳. این خانه از چوب ساخته شدم. _____
۴. دوستم این ورقه را مهر کردی. _____
۵. مجسمه فردوسی بسیار زیباست. _____
۶. کف سالن موزه از سنگ هست. _____
۷. من دو تا بلیط برای دیدن موزه خریدند. _____
۸. ایرانیان همیشه هنر را دوست داریم. _____

تمرین ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

اکتشف	•	•	واحد
يعادل	•	•	سفال
حجري	•	•	هزاره
عُشر	•	•	کشف شده
خزف	•	•	یک دهم
وحدة	•	•	سنگی
من قبل	•	•	مساوی
ألفية	•	•	پیش

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

_____ نرم	_____ همیشه
_____ گم شد	_____ سفت
_____ چند تا	_____ پیدا شد
_____ گاهی	_____ یکی

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. سفال :
۲. می سازند:
۳. صنعتگر :
۴. هنر :
۵. کشف شده :

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. برابر - است - متر - صد - سانتی - متر - یک - با. _____
۲. سفالگری - ایرانیان - از - قدیمی - است - صنعت - های. _____
۳. در - شوش - ظرفها - است - کشف - این - منطقه - شده. _____
۴. پادشاه - از - لاجورد - ساخته - مجسمه - است - شده. _____
۵. کشور - رواج - ما - همیشه - است - هنر - در - داشته. _____

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

محسن: هنرمند کسی است که _____ دارد. هنر باید _____ را به _____ مهربان _____ کند. تو _____ هنر واقعی _____ ؟

حسن: خوب _____ کردن است. هنر _____ خوب _____ کرده است.

محسن: آفرین! چه _____ زیبایی _____ .

حسن: _____ این _____ مفرغی با _____ ؟

محسن: _____ یا طرح یعنی.

حسن: آذر بایجان یکی از _____ ایران است.

محسن: نه آذربایجان یکی از _____ ایران است، کشور ، استان _____ ، ده یا _____ .

حسن: ده یا _____ یعنی چه؟

محسن: یعنی «القرية أو الريف».

«اسم المفعول»

كما ذكرنا سابقاً اسم المفعول بالمعنى الذي نستخدمه في العربية يوجد في الفارسية و يشبه اسم الفاعل بزيادة «ه» في آخره لكن اسم المفعول يضاف «ه» في آخر الفعل الماضي البسيط للمفرد. مثل : بریده (المقطوع) - نوشته (المكتوب) - کشیده (الممدود) و أحياناً يأتي بعده فعل «شده» و يدل على معنى الفعل المجهول.

أمثلة:

- ۱ - این شیشه شکسته است. (هذا الزجاج مكسور).
- ۲ - نمی توانم کار کنم دستم بریده است. (لا أستطيع العمل فيدي جريحة).
- ۳ - این نامه قبلاً نوشته شده است. (هذه الرسالة مكتوبة من قبل).
- ۴ - فرش در سالن گسترده است. (السجاد مبسوط في الصالة).